

فروردینگان یا جشن فروردین

می‌ستاییم فروهرهای نیرومند و پاک و توانای پیروان نظام هستی را:

آنان که در دوستی پاک‌نهاد و نیک‌کردارند؛

آنان که از گفت‌وشنودهای بسیارشان بهره‌ها خواهد بود؛

آنان که مردمان را نمی‌آزارند؛

آنان که فروهرها را، نیکان را، رازداران را، تیز نگرندگان را، چاره‌اندیشان را، نامداران را، و در نبرد پیروزمندترینان را، آزرده نکرده باشند.

می‌ستاییم فروهرهای نیرومند و پاک و توانای پیروان نظام هستی را:

آنان که از آن بالا با اراده‌ای نیرومند با دشمنان می‌ستیزند؛

آن بسیار توانایان که از آن بالا در هنگامه نبرد، بازوان زورمند دشمنان بدخواه را فرو می‌کوبند

می‌ستاییم فروهرهای نیرومند و پاک و توانای پیروان نظام هستی را:

آنان که به چالاک‌ی و دلاوری و رزم‌آوری و بسا هراس‌انگیز، ستیزه دشمنان را - چه دیو و چه آدمی- در هم می‌شکنند و فرو می‌کوبند؛

آنان که به خواست خود یورش جنگاوران را بر می‌اندازند

شما ای تواناترین!

می‌بخشایید بهترین نیکی‌های خود را و پیروزمندی و چیرگی اهورا، آفریده خود را به همه سرزمین‌هایی که در آن جای‌ها نیکی‌های شما را به بدی نکشانند؛

آنجا که شما خوشنودید و نرنجیده‌اید و آزرده نشده‌اید؛

آنجا که شما را سزاوار ستایش و شایسته نیایش می‌دانند و در آنجا راه برگزیده خود را می‌پیمایید.

* این بود بخشی بسیار کوتاه و فشرده از فروردین یَشت. فروردین یَشت بلندترین یَشت می باشد.

* پیش از هر سخنی فروردینگان را به ایراندوستان شادباش می گویم.

برایتان تندرستی و بهزیوی آرزو میکنم و امیدوارم که هرچه زودتر سایه ی شوم این رژیم خون و خشم از سر مردم ایران برداشه شود و آزادی و سرفرازی به سرزمین اهورایی مان بازگردد.

* از دید واژه شناسی یَشت هم ریشه با واژه ی یَسَن و هر دو در چَم پرستش و نیایش هستند.

* سخن از نیایش به میان آمد.

یکی از سنت های فرهنگ ایرانی که با آیین ها و اندرزهای آشو زرتشت پیوندی ناگسستنی خورده، نیایش به درگاه آفریننده است.

* امروز جهان گواه جنگی نابرابر میان روسیه و اوکراین است، از اینرو بهتر است که همه ی ما بیش از همیشه دست به نیایش برداریم و پایان این جنگِ خانمان برانداز را از درگاه پروردگار خواستار شویم تا مردم اوکراین هم در آرامش زندگی خود را دنبال کنند.

برگردیم به بازشکافی فروردینگان.

* پیش از این گفته ایم که در گذشته های دور، و پیش از اینکه **خیام** بزرگ سالشمار **جلالی** را درست کند، سالشمار نیاکان ما دو موسم (فصل) داشت.

تابستان بزرگ که هفت ماه بود و از نخستین روز سال آغاز می شده است زمستان بزرگ که پنج ماه بوده است. پس یک سال دوازده ماه، هر ماه هم سی روز و هر روز هم نامی داشت. بدینگونه در پایان سال پنج روز کم می آوردند که به آن پنجه ی دزدیده گفته می شد و هر یک از آن پنج روز هم نامی داشته است. هنوز هم در سالشمار هم میهنان زرتشتی ما این نام ها آمده است

هنگامی که نام ماه و نام روز یکی می شده، نیاکان ما آن روز را جشن می گرفتند. برای نمونه: ماه فروردین و روز فروردین که نوزدهمین روز هر ماه فروردین نامیده می شود. جشن فروردین یا **فروردینگان** را بر پا می کردند. ماه مهر و روز مهر که روز شانزدهم هر ماه، مهر نام دارد، **مهرگان** را، که هنگام برداشت کاشت بوده، جشن می گرفتند ماه اسپند و روز اسپند که روز پنجم از هر ماه اسپند است را به نام **اسپندگان** که روز بزرگداشت زن هم بوده را با برپاکردن جشنی به شادی می گذرانیدند.

* نیاکان ما، جدا از اینکه بدینگونه روز خود را با شادی می گذرانیدند، به درد و گرفتاری های همدیگر هم می رسیدند. * گفته شد که نوزدهمین روز هر ماه فروردین نام دارد. نخستین جشن، از جشن های ماهیانه، **جشن فروردین یا فروردینگان** است

نیاکان ما را با گریه و زاری کاری نبود. تا جایی که هاتا (حتی) در سوگاری از دست رفتگان خود گریه و زاری نمیکردند و سیاه نمی پوشیدند و جامه های سپید در بر میکردند زیرا رنگ سیاه را رنگ اهریمن میدانستند و رنگ سپید را نشانگر پاکی و بی آلایشی.

آیین های سوگاری نیاکان ما به آنگونه که امروز ما گریه و شیون میکنیم، نبوده است. برنامه ی سوگاری ها را هم بنام جشن روان برگزار میکردند. زیرا این جشن ها خود گونه ای نیایش و سپاسگزاری از خداوند بوده است.



* هر یک از این جشن ها گلی ویژه داشتند. گل ویژه ی فروردینگان گلی است که آن را به نام گل تاج خروس می شناسیم.

چو بشنید این سخن زلف اَروسان (عروسان)

فروزان گشت چون تاج خروسان

بگفتا کی به رنگ من گُلی هست

که من در کشور حُسنم زبر دست

همین خواهم نثار یار سازم

از او هر گوشه سَد گلزار سازم

منم زلف اَروس باغ و بُستان

بُود زلف اَروسان رشته جانم

گردآورنده : ژاله دفتریان

فروردین ۲۵۸۱ ایرانی

برابر آوریل ۲۰۲۲ ترسایی